



۲۰۱۷/۱۲/۲۳

جلیل غنی هروی

از هم گسیختگی جمعیت اسلامی

با اعلام قبولی استعفای عطا محمد نور از طرف ریاست جمهوری افغانستان، اختلافات و تنشجات در دستگاه حاکمه افغانستان از یک طرف و اختلافات در درون حزب جمعیت اسلامی از جانب دیگر آفتابی شد. با اعلام پذیرفتن استعفای عطا محمد نور، صلاح الدین ربانی سر پرست وزارت خارجه که در دیدار رسمی در یونان بود سفر و ملاقاتهایش را با صدر اعظم و سایر مامورین عالیرتبه یونان قطع نموده و به کابل برگشت. البته می دانید که آقای ربانی رهبر حزب جمعیت اسلامی و عطا محمد نور رئیس اجرائیه این حزب است.

باید یاد آور شد که آیا بر کناری یک والی مطابق به صلاحیت های که قانون اساسی افغانستان به رئیس جمهور می دهد، مهمتر از منافع ملی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی افغانستان است که از مسؤلیت های وزیر خارجه است، و مهمتر بوده و ارجحیت داشت که باید وزیر خارجه سفرش را قطع می کرد و به کابل برگشت؟ درین جا یک نکته روشن می گردد و آن اینکه نزد آقای ربانی منافع حزبی و تنظیمی او بر منافع ملی و مسؤلیت های وظیفوی او به حیث وزیر خارجه ارجحیت داشته است.

با برگشت صلاح الدین ربانی از یونان شورای رهبری جمعیت اسلامی جلسه کرد و در پایان این مشوره های دو روزه ساعت یک شب سه شنبه شب ۲۸ قوس بیانیه صادر نمود و "تصمیم ریاست جمهوری در مورد عطا محمد نور، والی بلخ" را اقدامی "عجولانه، غیرمسئولانه، مخالف ثبات و امنیت افغانستان و اصول موافقتنامه حکومت وحدت ملی" خواند.

این حزب تأکید دارد که این تصمیم رییس جمهور، مخالف ثبات و امنیت افغانستان و نیز بر خلاف اصول موافقتنامه (ایجاد) حکومت وحدت ملی است.

این تذکر جمعیت اسلامی می تواند به گونه های مختلف تعبیر و تفسیر گردد. وقتی گفته می شود که بر طرفی عطا محمد نور مخالف ثبات و امنیت افغانستان و اصول موافقتنامه حکومت وحدت ملی است این سوال مطرح است که آیا موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی تنها با جمعیت اسلامی بود و یا با ائتلافی که تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله را تشکیل میداد که در آن جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری حاجی محمد محقق معاون دوم ریاست ارجائیه، اتحاد اسلامی به رهبری سیاف، شاخه حزب اسلامی به رهبری عبدالهادی ارغندیوال که انجینیر محمد خان معاون اول ریاست اجرائیه منسوب به این حزب است، و چند گروه دیگر نیز شراکت داشتند. گذشته از آن، این موافقتنامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی، با جناب عطا محمد نور نشده بود که بر کناری او از ولایت بلخ، بعد از تقریباً پانزده سال، موجودیت و مشروعیت حکومت وحدت ملی را زیر سوال ببرد. این موافقتنامه بین تیم اصلاحات و

همگرایی به رهبری داکتر عبدالله و تیم تحول و تداوم به رهبری داکتر اشرف غنی بود نه با آقای نور که حالا بر کناری او از عهده ولایت بلخ نقض آن موافقتنامه باشد. از جانب دیگر جمعیت اسلامی در وجود آقای نور خلاصه نمی شود که نبود او در کرسی ولایت بلخ به معنی نبود حزب جمعیت اسلامی و یا تیم اصلاحات و همگرایی در حکومت وحدت ملی باشد.

تاکید دیگر جمعیت اسلامی درین بیانیه بر این است که بر کناری آقای نور مخالف ثبات و امنیت افغانستان است. این فقره چنین معنی می دهد که پیروان جمعیت و آقای نور با نبود او در ولایت بلخ، اگر در قوای امنیتی هستند از اوامر حکومت مرکزی و والی جدید اطاعت نخواهند کرد و با مخالفین مسلح دولت افغانستان مقابله خواهند نمود که این خود به معنی بغاوت است، و یا اینکه با مخالفین همدست خواهند شد و در تشدید بی امنیتی و بی ثباتی با مخالفین هم نوا خواهند گردید که دران صورت هم نوائی با مخالفین و قرار گرفتن در صف آنها هم منافی منافع ملی و مغایر سوگندی است که برای حراست از تمامیت ارضی و استقلال و قانون اساسی افغانستان یاد کرده اند و باز هم بغاوت و نافرمانی و در نهایت خیانت ملی خواهد بود.

در حالی که قوای امنیتی هم اکنون روزانه برای حراست و حفظ ارزش های ملی و تمامیت ارضی قربانی می دهند فکر نمی شود که این تذکر جمعیت اسلامی جز یک مانور سیاسی ارزش دیگری داشته باشد و اهانتی خواهد بود به قوای امنیتی وفادار به دولت و ملت افغانستان و تعهد شان به دفاع از منافع ملی افغانستان.

شورای رهبری جمعیت اسلامی می گوید:

«اگر ارگ در این اقدام انحصار طلبانه خود - که با سوءاستفاده از حضور جامعه جهانی صورت می گیرد - تجدید نظر نکند؛ جمعیت اسلامی اقدام منافی موافقت نامه حکومت وحدت ملی از سوی ریاست جمهوری در مورد والی بلخ را رد نموده و خود را ملزم می داند تا با استفاده از هرگزینه از حق مسلم و مشروع مردم افغانستان دفاع نماید»

قابل یاد آوری است که با حضور قوای بین المللی در افغانستان و حمایت جهان از حکومت وحدت ملی زمینه استفاده از زور از بین رفته و یگانه وسیله برای غصب قدرت و یا دوام آن، فشار های سیاسی و ایجاد بی نظمی است. اگر جمعیت اسلامی دست به چنین حرکتی بزند آیا آینده سیاسی این حزب، به خصوص در انتخابات پارلمانی و همچنان ریاست جمهوری دو سال بعد، به خطر نخواهد افتاد و موقف خود را به حیث یک حزب مطرح از دست نخواهد داد؟ در حالی که این حزب خود را یک حزب افغانستان شمول میخواند و مدعی مدافع حقوق حقه همه مردم افغانستان است چگونه می تواند تا مرز تحریک بی نظمی و یا همدستی با مخالفین مسلح دولت برای ایجاد بی نظمی و بی ثبات آنها برای حفظ یک والی در عهده اش، سقوط کند؟

وقتی جمعیت اسلامی علنی می گوید که ارگ از حضور جامعه جهانی سوء استفاده کرده است، نشان می دهد اگر از ترس حضور جامعه جهانی نمی بود دست به اقدامات قهریه می زد و هشدار می دهد که اگر ارگ بر تصمیم خود تجدید نظر نکند خود را ملزم می داند تا با استفاده از هرگزینه از حق مسلم و مشروع مردم افغانستان دفاع نماید»

یعنی که دست به هر اقدامی به شمول تحرکات نظامی و قهریه خواهد زد. جالب اینست که تداوم حاکمیت آقای نور را به حیث والی بلخ حق مسلم و مشروع مردم افغانستان می داند. آیا واقعاً آقای نور از قاطبه مردم افغانستان نمایندگی میکند و به رای و اعتماد تمام مردم افغانستان به این عهده انتخاب گردیده که حالا این حق مسلم شان پایمال شده است؟

آیا جمعیت اسلامی به حیث یک حزب متحد و تأثیر گذار، آن طوریکه ادعا می کند، باقی مانده است و می تواند اقداماتی برای بی ثبات ساختن حکومت و یا اعلام خود مختاری در بعضی از مناطق به نماید؟ علایم نشان می دهد که این حزب در داخل به شعبات جداگانه تقسیم شده است. تا جایی که معلوم است جمعیت اسلامی به شاخه های اصول گرایان یا تند روان، اعتدال پسندان و جوانان شامل نسل جدید پیروان جمعیت اسلامی تقسیم گردیده است. عدم حضور داکتر عبد الله در جلسه هیات رهبری جمعیت و حتی به حیث عضو شورای عالی رهبری جمعیت اسلامی، برای اتخاذ تصمیم در مورد عکس العمل این حزب بر پذیرفتن استعفای عطا محمد نور و خاموشی او در باره این تصمیم، نشانه از پارچه شدن جمعیت نیست؟

عطا محمد نور بروز شنبه در محفل یاد بود از سالروز کشته شدن عبدالقادر ذبیح الله، در شهر مزار برکناری اش از ولایت بلخ را توطئه دانست.

به باور وی، ارگ و سپیدار، از حضور جامعه جهانی در افغانستان استفاده سو می کنند و در تلاش تصفیه حساب های شخصی با رهبران جهادی و سیاست مداران در کشور هستند.

"آقای نور، عامل اصلی به وجود آمدن وضعیت کنونی را به نگاه دشمن ستیزانه رئیس اجراییه پیوند می دهد و آقای عبدالله را به «مار آستین» تشبه می کند."

وی می گوید، "عبدالله عبدالله از آدرس حزب جمعیت اسلامی به کرسی ریاست اجراییه رسیده است، اما اکنون در تلاش از هم پاشی این حزب است."

عطا محمد نور در این باره گفت: «اگر بیست تا سی درصد عامل برکناری ام رئیس جمهور باشد هفتاد تا هشتاد درصد آن عبدالله است. او دندان هایش را به جان ما نیز کرده است اما، به کمک خدا دندانهای او را می کشیم.»

وی می گوید که نه رییس جمهور و نه رییس اجراییه صلاحیت برکناری اش را از مقام بلخ دارند؛ چون به باور وی، "رئیس جمهور، طرف معامله وی در ایجاد حکومت وحدت ملی است و عبدالله کاندید حزب جمعیت در پست ریاست اجراییه".

دو روز قبل شورای انسجام جمعیت اسلامی در قبال تشنج بین ارگ و عطا محمد نور، با داکتر اشرف غنی ملاقاتی داشت و گفته می شود که مرتب این ملاقات هم داکتر عبدالله بوده است. چنین معلوم می شود که رهبری و یا حد اقل تشکیل دهنده این جناح حزب جمعیت اسلامی هم، داکتر عبدالله است. شاید داکتر عبدالله با تجربه سیاسی که از همان آغاز مقاومت مردم افغانستان در برابر تهاجم قوای اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان در سال ۱۹۷۹ و همکاری نزدیک با احمد شاه مسعود به حیث عضو کمیته سیاسی او دارد، درک کرده باشد که زمان نفوذ و جذابیت قوماندانهای سابقه سپری شده و دیگر این قوماندانهای سابقه و رهبران آن دوران نه نزد مردم، به خصوص نسل جدید افغانستان، و نه هم نزد جامعه بین المللی جذابیت دارند و دورانی که می توانستند نقش مؤثری در جبهات جنگ داشته باشند سپری شده است. و از جانب دیگر این گونه افراد و دار و دسته های مربوط به آنها آنقدر در یک و نیم دهه اخیر داری ها عامه را غارت کرده اند و ثروت اندوخته اند که دیگر طشت بد نامی شان از بام افتاده و ملت هنوز هم مصیبت ها و ویرانی های سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ را که حکومت تنظیمی بر سر قدرت بود، و این قوماندانها حاکم بلا منازعه و خود مختار محلات شان بودند، فراموش نکرده است. تحولات سیاسی اخیر در افغانستان، منطقه و جهان نیز به نحوی است که شاید مافوق درک و تحلیل بعضی از چهره های گذشته باشد که هنوز هم در خواب دوران جهاد و اقتدار آن زمان هستند.

در بیانیه جمعیت اسلامی در حالی که از موقف عطا محمد نور پشتیبانی شده قطع رابطه با حکومت و یا خارج شدن از حکومت وحدت ملی که می گوید رکن عمده این حکومت است علایمی دیده نمی شود گر چه قبلاً گفته

شده بود که در صورتی که حکومت بر تصمیم خود تجدید نظر نکند جمعیت اسلامی از حکومت وحدت ملی خارج خواهد شد.

تغییر در ساختار، ستراتیژی و تاکتیک عملکرد هر حرکت و نهاد سیاسی مطابق به شرایط زمان و مکان و درک اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، بدون انصراف از اهداف اصلی در هر جامعه، یکی از رموز موفقیت و پیشروی هر نهاد است. زندگی، چه زندگی یک فرد است و چه یک خانواده و چه یک جمعیت و یا ملت یک پدیده پویایی است نه ایستا. حرکت با ابزار و وسایط و شرایط زمان گذشته، جز باستان گرائی و عقب گرائی تعریف دیگری داشته نمی تواند. اگر یک جامعه در تلاش ترقی و پیشرفت است و این اصل پویایی را پیروی میکند، لزوماً باید تغییرات، تحولات و تکتیک ها و مفکوره های مورد نیاز پیشرفت جامعه را جستجو و عملی نماید. این تغییرات را نمی توان با ظواهر و زرق و برق های عوام فریبانه وارد نمود، بلکه آوردن اصلاحات در کنه و بنیاد نهاد های که برای خدمت و پیشرفت جامعه قد علم میکنند، لازمی است.

جریانات ده روز اخیر نشان داد که از یک طرف احزاب و تنظیم های جهادی بیشتر بر منافع حزبی و تنظیمی خود وفادار هستند تا منافع ملی و پیشرفت و آرامش سیاسی و ثبات در افغانستان، و از جانب دیگر ضرورت حضور جامعه جهانی در افغانستان بیشتر وضاحت و اهمیت پیدا کرد زیرا در غیر آن امکان استفاده و ایجاد بی نظمی و بی ثباتی بیشتر بود. اقدام صلاح الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و مسؤول وزارت خارجه افغانستان در قطع سفر رسمی و ملاقاتهای مهم با صدراعظم و رئیس پارلمان یونان و امضای موافقتنامه های بین افغانستان و یونان پس از اعلام قبولی استعفای عطا محمد نور، و همچنان صدور بیانیه جمعیت اسلامی درین مورد و اظهارات عطا محمد نور والی بلخ و نا فرمانی او از تصمیم رئیس دولت، نمونه های بارز تعهد و وفاداری جمعیت اسلامی یکی از تنظیم های مطرح به منافع گروهی نسبت به منافع ملی است.

پایان